

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تمدنی آموزه مهدویت
با تاکید بر نقش زمینه ساز انقلاب اسلامی ایران

روح الله شاکری زواردهی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

چکیده:

انقلاب اسلامی در مرحله شکل‌گیری و استمرار، با پشتوانه فکری و با هدف تلاش‌گری برای بسترسازی ظهور، نویدبخش دوران پیشاظهار بوده است؛ لذا مسئله اصلی «کشف مؤلفه‌های تمدنی در حکومت مهدوی» که مقاله حاضر با نگاه به نظریه تمدن نوین اسلامی و به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ بدان است به جهت پیگیری ایجاد و یا تقویت آنها در دوران پیشاظهاری و در حکومت اسلامی ایران، به دلیل توجه به بسط ید حکمرانی مبتنی بر معارف شیعی، امری ضروری است.

دستاوردهای پژوهش حاضر بدین‌گونه بیان می‌شود: با التفات به سطوح سه‌گانه انسان‌شناختی، بینش و گرایش و کنش در آیات و به ویژه روایات مهدوی، مشخص می‌شود که مؤلفه‌های مهمی چون عقلانیت و توسعه علمی در بُعد بینش، رشد اخلاق‌گرایی و نیز گرایش به آداب انسانی در بُعد گرایش، تعالی‌بخشی روحی و معنوی، فقرزدایی، رفاه حداکثری، ارتقای امنیت، بسط و گسترش عدالت به عنوان مؤلفه‌های کنشی، قابل ذکر است. بیشترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز، عملی و در حیطه رفتار و کنش و واکنش تعریف می‌شوند که حاکی از اهمیت عملگرایی مستظران در مسیر تحقق تمدن جهانی مهدوی خواهد بود.

واژگان اصلی: بسترسازی انقلاب اسلامی، آموزه مهدویت، مؤلفه‌ها، تمدنی، بینشی، گرایشی، کنشی.

در چند دهه تحلیل و بررسی تمدنی اوصاف، برنامه‌ها، دستاوردها و کارکردهای حکومت مهدوی در چشم‌انداز مکتب تشیع، این حقیقت را تأیید می‌کند که هدف آن برقراری عدل بوده و زمینه‌ساز عبادت و عبودیت برای تحقق عبادت و مقام عبودیت به‌منزله هدف نهایی خلقت است. بنابراین ظهور دولت مهدوی ریشه در هدف آفرینش دارد و اینجاست که موعودباوری شیعی بسیار فراتر از دنیای مادی و حیات فردی است. دولت مهدوی حرکت همه انبیا را به نتیجه می‌رساند. البته مقصود از تمدن اسلامی که دولت مهدوی و پساظهور را نیز شامل خواهد شد، یعنی تمدنی بر اساس نگرش توحیدی و ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. (جان احمدی، ۱۳۸۶؛ ۵۲-۵۱)

توضیح اینکه، فعل هر فاعل حکیمی هدف‌دار است و خداوند حکیم نیز از خلقت جهان و انسان هدف داشته است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون/ ۱۱۵)؛ هدف از خلقت جهان خدمت به انسان؛ «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/ ۲۹) و هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام عبودیت، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶) و برگشت به‌سوی خداست «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۱۵۶) و این هدف به‌شکل عمومی و همگانی‌اش در دولت مهدوی محقق می‌شود؛ چراکه طبق برخی آیات قرآن: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/ ۵۵)، «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...» (حج/ ۴۱) عبادت خالصانه خدا و نماز - که تجسم عبادت است - در عصر حکومت مهدوی همگانی می‌شود.

محور کلی حکومت مهدوی، بر پایه «عدالت» بوده و عامل جهانی‌شدن و مقبولیت دولت اوست. جامعه‌شناسان همواره آرمان‌شهر و مدینه فاضله خود را بر عدالت پایه‌گذاری کرده‌اند.

افلاطون نیز با طرح مدینه فاضله، درصدد آفرینش پیوندی عمیق میان جامعه بشری بود. وی وحدت بخشیدن به جوامع متفرق را هدف اولیه خود می‌دانست (کویره، ۱۳۶۰؛ ۵۱) و مسلماً چنین ایده‌ای بدون استقرار عدالت و حکومت یکپارچه، محقق نخواهد شد. حکومت جهانی مهدوی، حکومتی بی‌مانند و آخرین دولت‌هاست.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

امر ظهور واقع نمی‌شود، مگر بعد از آنکه هر طبقه‌ای به حکومت برسند و دیگر طبقه‌ای در روی زمین باقی نباشند که حکومت نکرده باشد، تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می‌رسید، ما عدالت را پیاده می‌کردیم! آنگاه حضرت قائم(عج الله فرجه الشریف) قیام کرده، حق و عدالت را پیاده می‌کند. (نعمانی، ۱۳۸۳؛ ۲۷۴)

این روایت به وضوح می‌رساند که حکومت جهانی مهدی(عج الله فرجه الشریف) خط بطلانی بر انواع گوناگون حکومت‌ها، نظریه‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های غیرالهی ارائه شده در عرصه جهانی است؛ به طوری که همه این آرا و حکومت‌ها امتحان شده و مردم به پوچی، ضعف و بطلان آنها پی خواهند برد و با آغوش باز پذیرای «دولت مهدوی» خواهند بود. در روایات دیگری نیز شبیه به این مضمون آمده است. (طوسی، ۱۴۱۱؛ ۴۷۳؛ مفید، بی‌تا؛ ۲ / ۳۸۵)

با این حال انقلاب اسلامی ایران با توجه به مبانی فکری، خود را مقدمه‌ساز ظهور می‌داند و در مقدمات تئوری تشکیل حکومت اسلامی مورد نظر خود در قالب نظریه ولایت فقیه این موارد دیده می‌شود.

دلالت برخی آیات قرآن دال بر تشکیل حکومت اسلامی برای به فعلیت رساندن احکام الهی و عقاید اسلامی در سطح جامعه به گونه التزامی است. دلالت التزامی یعنی دلالت لفظ بر معنایی که خارج از موضوع^۱ له آن است؛ اما بین موضوع^۲ له و آن معنا ارتباط و ملازمه برقرار است. مثلاً

اگر کسی بگوید: دوات را بیاور تا بنویسم؛ از گفته وی آوردن قلم نیز فهمیده می‌شود. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹؛ ۱ / ۳۲۰) در واقع برای به حد کمال رساندن عمل به مفاد آیاتی چون «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ...» (نساء/۵۹) لازم است که حکومت اسلامی تشکیل داد که مقدمه آن معمولاً انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر اگر اراده شود که در تمامی ابعاد و شئونات به دین اسلام و اوامر خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و معصومان (علیهم السلام) عمل شود، لازم‌ه‌اش تشکیل حکومت اسلامی است. چرا که آیه مذکور عام است و همه زمینه‌های نظری و عملی مربوط به ساحت دین، توحید، نبوت، رسالت و امامت را شامل می‌شود. برخی از مفسران به عمومیت آیه در اطاعت از خدا و رسول و اولوا الامر اشاره کرده‌اند. (حسنی واعظ، ۱۳۸۱؛ ۷۱)

همچنین آیاتی در قرآن وجود دارند که برای رسیدن به تمامیت نتیجه آن، احتیاج به نظام‌سازی در آن زمینه است. مانند آیه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (انفال / ۶۰) که برای تمامی سرزمین‌ها و اعصار، الهام بخش است؛ زیرا از سلاح منحصر به فردی سخن به میان نمی‌آورد که با مضي زمان از حيز انتفاع در سطح کلان و ملی و جهانی خارج شود؛ بلکه تعبیر به قوه می‌کند، یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خود سزاوار است از هر سلاحی استفاده کنند؛ در هر عصری به سلاح‌های پیشرفته آن زمان مجهز شوند. واژه قوه حتی سلاح‌های غیرجنگی را هم شامل می‌شود؛ مانند ابزار تبلیغاتی که نیرویی برای نابودی روانی دشمن محسوب می‌گردد. در نتیجه هر چیزی که در جنگ با دشمن مفید باشد یا مقابل تجاوز او بایستد، مشمول آیه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶؛ ۳۰۸) استطاعت از جمله مقولات تشکیکی است که دارای شدت و ضعف بوده، کمال آن طبق برخی روایات در دولت کریمه مهدوی حاصل می‌شود. مانند:

أَنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلَّ مَنْخَفُضٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَ خَفُضَ لَهُ كُلَّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَايَكُم لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرَهَا. (مجلسی، بی تا؛ ۵۲ / ۳۲۸)

هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت رسد، خداوند هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد؛ آن‌چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدامیک از شما اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند! بنابراین مقدمه‌سازی برای رسیدن به قله کمال، از طریق نظام‌سازی حکومتی که انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز آن بوده، ایجاد خواهد شد. چرا که استفاده از کرامات و خرق عادات، برای زمانی است که ضرورتی و مصلحتی داشته باشد. در صورتی که با اکمال عقل مردمان در دوران ظهور به سبب عنایت حضرت مهدی، شاید کمتر نیازی به استفاده از معجزات و کرامات باشد. چنان که امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ. (کلینی، ۱۴۲۹؛ ۱ / ۵۶)

هنگام قیام قائم، خداوند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن، جمع می‌کند و خردهایشان با او کامل می‌شود. بنابراین سزاوار است تا مهمترین مؤلفه‌های تمدنی حکومت مهدوی کشف و تبیین شود تا در نهضت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، با نگاه بدان، مقدمه‌سازی تمدنی متصل به ذی‌المقدمه انجام گیرد.

طرح مسئله

در تقسیم سه‌گانه انسان‌شناختی به عنوان اولین واحد تشکیل‌دهنده تمدن، بودن انسان در هر جامعه و برهه‌ای از زمان، مؤلفه‌های تمدنی حکومت جهانی مهدوی از لحاظ بینش و گرایش و کنش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

باید متذکر شد که «بینش»، همان شناخت و معرفت فرد است که در ادامه آن را تبدیل به نگرش و سپس کنش - یعنی رفتار - می‌کند. (گائینی و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۸۴) البته از منظر روانشناختی، در مرحله نخست باید نگرش انسان مورد توجه قرار گیرد. نگرش از منظر روانشناسان یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش، تأثیر مستقیم و پویا می‌گذارد. (شریفی، ۱۳۸۴؛ ۴۱۳) اما به نظر می‌رسد که نگرش از یک بینش مبتنی بر جهان‌بینی و شناخت پدیدار می‌شود و از این جهت استفاده از بینش به معنای معرفت و آگاهی که در ساحت فکر و اندیشه انسان جولان پیدا می‌کند، عنوانی است که به نگاه انسان‌شناختی نزدیک‌تر است.

رفتار انسان گاه عملکردهایی است که ظهور آنها به شکل صفات در شخصیت انسان نشان داده می‌شود که قرآن از آن تعبیر به شاکله کرده است و در این نوشتار به آن منش اطلاق می‌شود. منش، عادت‌های رفتاری یک فرد است که در نتیجه تأثیرات بینش و گرایش بر انسان ایجاد می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۱؛ ۳ / ۴۹۲ - ۵۰۱) برخی از علمای اخلاق، منش و شخصیت را به یک معنی استعمال کرده‌اند (موسوی لاری، ۱۳۷۶؛ ۹۰) و هر دو را حاکی از یک واقعیت می‌دانند، ولی بعضی از روانشناسان اخیر میان این دو اصطلاح تفاوت قائل شده‌اند و اصطلاح منش را برای جنبه‌های اخلاقی و ملکات فاضله و ردائل، انتخاب نموده‌اند. به عبارت دیگر منش برای

ارزیابی شخصیت با مقیاس های اخلاقی - یعنی خوبی و بدی - است در حالی که شخصیت را معرف تمام کیفیات روحی، اخلاقی، عقلی، عاطفی و حتی بدنی می دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷؛ ۲۶۱)

رفتار نیز گاهی بروز عملکرد خارجی است که در این حالت به آن کنش - واکنش گفته می شود. در واقع رفتار، تنها ابزار ذاتی و در دسترس و تحت اختیار ما برای مدیریت شرایط محسوب می شود که مهمترین میزان این اختیار، در نگرش نمود دارد و البته تأثیر دائمی محیط و شخصیت بر هم نیز موجب ایجاد رفتار می شود. (هوکسما و دیگران، ۱۳۸۶؛ ۴۶۵)

۱. مؤلفه های بینشی

مهمترین مؤلفه های بینشی ناظر به تمدن سازی در حکومت جهانی مهدوی از این قرار است:

۱-۱. رشد عقلانیت

چنان که در مقدمه هم اشاره شد، یکی از شاخصه های بسیار مهم حکومت امام زمان، رشد عقول و بلوغ عقلانی انسان ها اعم از هیئت حاکمه و کارگزاران حکومتی و یا توده های مردمی است. در آن زمان، جامعه، عقل و اندیشه تکامل یافته، (کلینی، ۱۴۲۹؛ ۱ / ۵۶) حکومت نیز براساس عقل و خردمندی حرکت خواهد کرد. احساسات بی مهار و تعصبات سرکش و تبلیغات ساختگی و دروغین در آنجا نیست و البته جامعه ای که بر مبنای تعقل گام برمی دارد و در زیر چتر خردمندی حرکت می کند، به بن بست نمی رسد.

البته در روایات شیعه نقل های متفاوتی از کمال عقول در عصر ظهور دیده می شود:

الف) نقل مرحوم کلینی از امام باقر (علیه السلام):

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنِ الْمُثَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشِيِّ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ مَوْلَى لَيْبِنِ شَيْبَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ قَائِمًا، وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى

رُوَّسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ. (همان)

سند حدیث مذکور، این‌گونه از نظر دانش رجال تحلیل می‌شود که الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، همان حسین بن محمد بن عامر است که میرداماد در تعلیقات خود بر رجال کشی او را ثقه دانسته است و کسی که او را توثیق نکرده باشد، غیر ممارس در حدیث نامبرده شده است. (کشی، ۱۴۰۴؛ ۲ / ۴۹۶) راوی دوم مُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ است که نجاشی او را از جهت احادیثی که نقل می‌کند و مذهبش تضعیف نموده؛ (نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۱۸) اما با توجه به تعداد ۶۳۲ روایت شیخ کلینی با واسطه حسین بن محمد بن عامر از او، این تضعیف قابل جبران است. همچنین مذهب او حتی اگر شیعی نباشد نیز نهایتاً سند را از درجه صحت پایین‌تر می‌آورد نه اینکه سبب ازاله اعتبار آن شود. از سوی دیگر، تضعیف بر اساس محتوای روایات، اجتهاد نجاشی در این‌باره است که حسی بودن دیدگاه رجالی نجاشی را مخدوش می‌سازد. مؤید این نظر، قریب و آشنا دانستن کتاب‌های او از سوی نجاشی است. (همان)

راویان دیگر سند نیز همگی ثقه هستند. (اردبیلی، ۱۴۰۳؛ ۱ / ۲۱۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۳۱۷) البته نکته مهم اینجاست که مولی لینی شیبان، طبق تعلیقه میرداماد به نقل از سید بن طاووس - که در کلام نجاشی نیز چنین استظهاری می‌توان نمود (نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۴۳۳) - همان هشام بن حکم است (کشی، ۱۴۰۴؛ ۲ / ۵۶۱) که در این صورت او هم ثقه است.

(ب) نقل مرحوم راوندی از امام باقر(علیه السلام):

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاكَبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَّ يَدَهُ عَلَى رُوَّسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ. (راوندی،

۱۴۰۹؛ ۲ / ۸۴۰)

رجال سند این روایت نیز همگی ثقه‌اند. (کشی، ۱۴۰۴؛ ۲ / ۸۱۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۱۹۷) از این

رو، سند حدیث مذکور، به سبب ارسال از راوندی تا محمد بن عیسی ضعیف است؛ اما با توجه به جلالت راوندی، این ارسال، قابل جبران است.

اینکه مقصود از وضع ید در روایات مذکور چیست، کنایه از رحمت و شفقت الهی یا امام و همگانی بودن آن همراه با تسلط و قدرت، با اختلاف در طبیعی بودن به عنوان یک عمل تربیتی یا معجزه بودن آن در شرح شارحان این احادیث داده شده است که گوهر معنایی همگی، ولایت و تصرف امام برای تکامل عقول و احلام یا اخلاق بشر است. جمع عقول نیز به معنای تمرکز حواس و جلوگیری از پراکندگی آن با زدودن شهوت و هوای نفس یا رفع اختلاف بین مردمان و متحد شدن آنان بر حق عنوان شده است که از طریق تعلیم یا الهام یا قرار گرفتن قوای نفس تحت نظارت عقول انجام می‌پذیرد. (دریکوند و جعفری، ۱۳۹۴؛ ۵۳ - ۵۷)

روشن است که خداوند منزّه از جسم و جسمانیات است؛ از این رو، مقصود، وضع بالمباشره نیست بلکه وضع بالسبب است؛ یعنی مأمور الهی به فرمان حضرت حق، دست خود را بر سر آنان خواهد نهاد؛ حاصل اینکه حضرت ولی عصر (عج الله فرجه الشریف) دست مبارک خود را بر سر آنان می‌نهد.

بالاخره این از مواهب بزرگ الهی به بندگان در دولت حقه قائم آل محمد (عج الله فرجه الشریف) است و درباره هیچ حکومتی از سابق تا کنون و بعد از این، چنین موهبتی نشده و نخواهد شد. هر مقدار که عقلانیت انسان تکامل یابد، میزان و کیفیت شناخت او از کائنات نیز بیشتر و عمیق‌تر خواهد شد. در خداشناسی، استقلال برای مقام ربوبیت او قائل می‌شود و وجود خود را ربط و نیاز به آن وجود مطلق می‌داند. (حکیمی، ۱۳۸۱؛ ۱۸۸) به همین سبب است که از امام علی (علیه السلام) منقول است:

هر کسی که خود را بشناسد، خردورزی نموده و هرکس این شناخت برایش حاصل نشود،

گمراه گشته است. (تمیمی آمدی، ۱۳۳۶؛ ۵۲)

معرفت و شناخت عقلانی، سبب خداشناسی نیز خواهد شد. البته مقصود فقط معرفت از راه استدلال نیست؛ بلکه معرفت بدیهی، فطری (عقل فطری) و معرفت از راه تفکر در خلقت‌های الهی را نیز شامل می‌شود. چنان‌که امام علی (علیه السلام) یکی از اهداف بعثت انبیا را استخراج دینه‌های عقلانیت از نهاد بشر عنوان نموده است. (نهج البلاغه، خ ۱ / ۴۳)

پس کمال عقلانیت در عصر ظهور، موجب کمال در خودشناسی و خداشناسی نیز می‌گردد. از آنجا که این معرفت به وسیله عبودیت و اظهار عجز در ساحت پروردگار عالم، خود معرفت‌زا بوده، تلاش برای تقویت خودشناسی و خداشناسی، تمهید و مقدمه برای رسیدن به اهداف و مؤلفه‌های تمدنی ظهور عالم‌گیر حضرت حجت (عج الله فرجه الشریف) است.

دین‌شناسی نیز - با توجه به تقسیم سه گانه معارف دین به اعتقادات و اخلاق و فقه - به عنوان شناخت معارف دینی، نیاز به عقلانیت برهانی یا حکم عقل دارد؛ حال این معرفت عقلانی گاه در سطح استدلال‌ها و اجتهاد دانشمندان اسلام‌شناس و فقیه است و گاه در حد فهم ابتدایی از معارف دینی عوام. این مهم با توجه به کمرنگ شدن شناخت عقلانی از دین در آخر الزمان، مهم‌تر جلوه می‌کند:

ای مردم، به همین زودی زمانی بر شما می‌رسد که اسلام واژگون شود همچون ظرفی که با محتویاتش واژگون گردد. (همان، خ ۱۰۳ / ۱۴۹ - ۱۵۰)

مشخص است، یکی از مصادیق واژگونی دین، ممزوج شدن حق و باطل در شناخت آن است. مانند خرافه و داستان‌سرایی‌های باطل که تنها راه آن استفاده از عقل در بهره‌گیری از منابع معتبر است.

۲-۱. توسعه علمی

در حکومت مهدوی، علم و دانش و فرهنگ، سیر کمالی خود را به نهایت می‌رساند و همه

افراد جامعه از نزدیک‌ترین افراد به حکومت تا دورترین افراد و حتی از دورترین نقاط جهان، همگی، واجد علم، سواد و دانش کافی و گسترده خواهند شد. از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند:

العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين حتى يبتها سبعة و عشرين حرفاً. (مجلسی، بی تا؛ ۵۲ / ۳۳۶)

علم، ۲۷ بخش است و همه آنچه رسولان الهی آوردند، دو بخش از آنها بود؛ پس مردم تا امروز جز این دو بخش را نشناخته‌اند ولی چون قائم ما قیام کند ۲۵ بخش را بیرون آورده و آشکار خواهد ساخت و در میان مردم منتشر خواهد فرمود و آن دو بخش را هم ضمیمه می‌گرداند و در نتیجه ۲۷ بخش علم را در میان مردم منتشر و پراکنده خواهد ساخت.

همه می‌دانیم که در نوع جوامع بشری، افراد مستمند و کسانی که بضاعت مالی ندارند از آموختن و فراگیری علم و دانش محروم‌اند؛ به‌ویژه از پیمودن مراحل علمی به‌طور طبیعی بی‌نصیب مانده و کنار می‌افتند و وضع اقتصادی آنان اجازه نمی‌دهد که خود را تا مدارج رفیع علم و دانش بالا بکشند و اگر هم در ابتدا توانسته باشند الفبایی را فرا گرفته و مقدمات مختصری را طی کنند، در اتنای راه عقب زده خواهند شد. مشکل دیگر در مسیر فراگیری علم و دانش و نسل‌ها چه‌بسا عدم تمایل حکومت‌ها به عالم و دانشمند بودن افراد تحت حکومتشان باشد؛ چراکه حکومت کردن بر مردمان بی‌سواد و کم‌فرهنگ و فاقد بینش، برای آن نابخردان، بهترین فرصت است و زمینه استعمار و استثمار آنان کاملاً فراهم خواهد بود.

افزون بر اینکه حکومت‌های زورمدار و بهره‌کش به‌صورت علنی و آشکار مانع آشنایی کشورهای ضعیف با مبانی علوم و صنایع شده، فرمول‌ها و مواد علمی و اسرار صنایع و

اکتشافات را از مردم ممالک و کشورهای دیگر مکتوم می‌دارند و حتی از شکوفا شدن اذهان و افکار آنان و رسیدن آنها به علوم، حقایق، صنعت و اکتشاف و فناوری و ابتکار جلوگیری می‌کنند و از روی خباثت می‌کوشند تا علم و اکتشاف، تنها در اختیار و انحصار خودشان باشد و این خود، از ویژگی‌های حکومت‌های طاغوتی و شیطانی است. ولی در حکومت الهی و انسانی حضرت صاحب‌الامر (عج الله فرجه الشریف) همه مردم واجد سطوح عالی علمی‌اند.

جمله «فبئها فی الناس» در کلام امام صادق^ع بسیار درخور توجه است؛ چراکه بیانگر انتشار همه این علوم، اسرار و دانش‌های وسیع و گسترده در میان توده‌های مختلف مردم، و در نتیجه بهره‌مندی عموم طبقات از آن است.

از مؤلفه‌های پیشرفت و نیز تمدن‌ساز، توسعه علمی است. انقلاب اسلامی در مقایسه با دوران پیش از خود، قطعاً مرزهای توسعه علمی را جابه‌جا نموده است. پیشرفت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به ویژه در بُعد علمی و دانشی، خود سبب ارتقای فکری مردم نسبت به مسائل گوناگون از جمله تفکر نسبت به ظهور و حکومت مهدوی و عملیاتی کردن تلاش برای رسیدن به آن مدینه فاضله خواهد کرد. (همایون و دیگران، ۱۳۹۴؛ ۲۰۳ - ۲۲۵)

۲. مؤلفه‌های گرایشی

مهمترین مؤلفه‌های گرایشی مرتبط با تمدن‌سازی در حکومت جهانی مهدوی عبارتند از:

۱-۲. رشد و توسعه اخلاق‌گرایی

از شاخه‌های بسیار مهم، ارزشمند و حیات‌بخش حکومت مهدوی (عج الله فرجه الشریف) رشد و ارتقای اخلاق جامعه در سطح بسیار بالا، و رواج کرامت‌های اخلاقی و ازبین‌رفتن رذایل و خویهای زشت و صفات ناپسند است، همه‌جا سخن از صدق، صفا، وفا، تعاون، ایثار، برادری، دوستی، حیا و عفت و عصمت بوده، حسن آثار اخلاق کریمه و صفات عالی انسانی در همه‌جا

مشهود است. برید عجلی می گوید:

شخصی به امام باقر(علیه السلام) عرض کرد: دوستان و همفکران ما در کوفه جمعیتی انبوه و فراوانند و اگر آنان را امر به (جهاد کنی) تو را اطاعت کرده و پیروی خواهند نمود. حضرت فرمود: آیا یکی از آنها به سراغ کیسه و جیب برادر مسلمان خود می رود و حاجت و مال مورد نیاز خود را از آن بر می دارد؟ او عرض کرد: نه، امام فرمود: پس آنان برای خونفشانی و بذل جان (در موقع نیاز) بخیل تر می باشند.

سپس فرمود:

مردم در آشتی و سازش اند در میان آنان نکاح و توارث برقرار است، حد بر آنان اجرا می کنند، امانات آنان ادا می شود تا زمانی که قائم، قیام کند که در آن هنگام صداقت و صمیمیت دل و جان حاکم می شود (نه صرف سازش) و شخص می آید و حاجت و مبلغ مورد نیاز خود را از جیب برادر مسلمان خود برمی دارد و او وی را منع نمی نماید. (مفید، بی تا؛ ۲۴)

این نکته شایسته ذکر است که انقلاب اسلامی در طول تحول ارتقایی خود، تلاش نموده به سوی گفتمان سازی اخلاق فردی و اجتماعی حرکت نماید. مراد از گفتمان سازی یک ارزش، همه گیر شدن آن در برهه ای از زمان است؛ به گونه ای که همه به آن توجه کنند. بنابراین گفتمان سازی اخلاقی، نیاز به آگاهی به ارزش اخلاقی، تبدیل آگاهی به معرفت همگانی، و تبدیل معرفت همگانی به باور عمومی و تبدیل باور به رفتار و رفتار به فرهنگ دارد. (پاکیزه، ۱۴۰۱؛ ۱۴۳)

۲-۲. گرایش به آداب انسانی

از آنجاکه حکومت جهانی مربوط به همه انسان ها و یادگار همه انبیاست، در حکومت منجی الهی، همه ارزش های انسانی و ادیان پیشین الهی زنده، و همه رذالت ها و نامردمی ها نابود می شود. حضرت باقر(علیه السلام) درباره ویژگی های زمان حضور می فرماید:

و لایترک بدعه الا ازالها و لا سنه الا اقامه. (مجلسی، بی تا؛ ۵۲ / ۳۳۹)

یعنی مهدی (عج الله فرجه الشریف) بدعتی را رها نمی‌کند جز اینکه آن را محو و زایل خواهد کرد و از کنار سستی نمی‌گذرد جز اینکه آن را برپا می‌دارد.

طبق این حدیث شریف که در هر دو بُعد نفی و اثبات به‌کار رفته، انواع و اقسام بدعت‌ها و خلاف‌ها، به برکت قیام مهدی و در پرتو حکومت آسمانی آن حضرت مضمحل و نابود، و همه روش‌های غلطی که مخالفان دین خدا در میان جامعه رواج داده‌اند، محو خواهد شد و در مقابل، سنت‌های پیامبران به‌ویژه سنت‌های حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان پاک او که از بین رفته بود زنده خواهد شد و در جامعه رواج خواهد یافت.

در دعای شریفی که از ناحیه مقدسه در مکه معظمه به ابوالحسن ضراب اصفهانی القا شده، می‌خوانیم:

اللهم و صل علی ولیک المحیی سنتک ... اللهم جدد به ما امتحی من دینک و اُحیی به ما بُدِّل من کتابک و اُظهِرْ به ما عُیِّرَ من حُکْمک حتی یَعُودَ دینُک به و علی یدیه غُضًّا جَدیداً خالِصاً مخلصاً لا شک فیهِ و لا شبهة معه و لا باطل عنده و لا بدعه لَدیه. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹؛ ۶۶۸)

جهانی‌شدن حکومت مهدوی سابقه دارد. حکومت جهانی مهدوی برگرفته از حکومت اسلامی و براساس آرمان‌شهر مدینه فاضله الهی است، و اسلام از آغاز تا امروز استعداد جهانی‌شدن خود را بارها نشان داده است و حکومت مهدوی دنباله‌رو حکومت نبوی است.

توجه به دیدگاه شهید مطهری و نیز علامه طباطبایی در این رابطه که در ادامه می‌آید، ضروری است. به این معنا که از فطری بودن کمال و اصالت فطرت و فطری بودن تعالیم اسلام و در نهایت به یکی‌شدن زندگی اجتماعی سیاسی انسان‌ها مهر تأیید گذاشته‌اند. استاد مطهری معتقد است که دین اسلام به‌عنوان آیین و حیانی مبتنی بر فطرت بشری، مسیر نهایی حرکت تاریخ را

با به هم رسیدن فرهنگ‌ها و گرایش‌های گوناگون در پرتو اندیشه‌های دینی توضیح می‌دهد. بنابراین، براساس نظریه اصالت فطرت و اینکه وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او و بالاخره، روح جمعی جامعه، وسیله‌ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، باید گفت، جوامع و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به‌سوی یگانه‌شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت، ادغام‌شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل‌یافته [ای] است که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی، سعادت واقعی و انسانیت اصیل خود خواهد رسید. (مطهری، ۱۳۸۱؛ ۲ / ۳۵۹ - ۳۵۸) در طول تاریخ، نیروهای انسانی به تدریج بیشتر جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده‌اند و انسان تدریجاً به لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان و جامعه ایدئال نزدیک‌تر می‌شود تا آنجاکه در نهایت حکومت عدالت؛ یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است، مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان‌مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود ... (همو، ۱۳۷۴؛ ۴۱)

علامه طباطبایی می‌فرماید: کاوش عمیق در اصول کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به‌عنوان جزئی از کائنات، در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید. آنچه در قرآن آمده است که استقرار اسلام در جهان امری شدنی و لابدمنه است، تعبیر دیگری است از این مطلب که انسان به کمال تام خود خواهد رسید. (طباطبایی، ۱۴۱۱؛ ۴ / ۱۳۳ - ۱۳۲)

به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را دربر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نمایند و افراد انسانی غرق در فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به‌دست خود انسان، و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایت «مهدی» خواهد بود ... (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ۳۰۸)

در همین راستا امام خمینی (ره)، برخاستن انقلاب اسلامی ایران از فطرت ملت را از ویژگی‌های آن برشمردند:

امروز این انقلاب از درون مردم می‌جوشد و از فطرت آنان برمی‌خیزد. (خمینی، ۱۳۸۹؛ ۵ / ۸۱)

این بدان معناست که انقلاب اسلامی ایران، هویت فطری انسان را که گرایش به مکتب و حکومتی الهی است، داراست. بنابراین بیدارسازی فطری، می‌تواند زمینه‌ساز آداب انسانی و سپس بسترساز گرایش به مظهر همه خوبی‌ها و انسان کامل یعنی حکومت مهدوی شود. البته باید متذکر شد که بسترسازی انقلاب اسلامی برای ظهور، بر پایه نگرش مثبت در ملاک زمینه‌سازی ظهور دسته‌بندی می‌شود؛ وگرنه در نگاه منفی، باید ظلم همه‌جا را بگیرد نه خوبی و عدالت و اخلاق و انسانیت، تا ظهور محقق شود. (الهی‌نژاد، ۱۳۹۹؛ ۳۳ - ۵۳)

۳. مؤلفه‌های کنشی

مهمترین مؤلفه‌های کنشی مربوط به تمدن‌سازی در حکومت جهانی مهدوی را این گونه می‌توان بیان نمود:

۳-۱. تعالی روحی و معنوی

آیاتی از قرآن که به حضرت مهدی (عج الله فرجه الشریف) تفسیر شده‌اند، نشان‌دهنده این حقیقت است که حکومت حضرت در پی آزادی انسان‌ها از اسارت و توجه آنان به عبودیت و بندگی خداست. مانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ... يَبْعُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور/ ۵۵) و همچنین «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...» (حج/ ۴۱).

از سوی دیگر مقام یآوری و سربازی حضرت مهدی، نیاز به سازندگی روحی و اخلاقی دارد، به گونه‌ای که سربازان و پاسداران حکومت جهانی مهدوی بی‌نظیرند. امام صادق (علیه السلام) در وصف یاران حضرت فرمود:

و رجال كأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله اشد من الحجر، لو حملوا على الجبال لزالوها ... فيهم رجال لا ينامون الليل، لهم دوى في صلواتهم كدوى النحل يبتتون قياما على اطرافهم و يصبحون على خيولهم، رهبان بالليل ليوث بالنهار هم اطوع له من الامه لسيدها (مفيد، بی تا؛ ۲۰۸)

این نوع روایات بیانگر ویژگی یاران خاص - ۳۱۳ نفر - هستند نه مردم؛ از این رو ارتباط آن با تمدن نوین اسلامی که تمام جامعه را در بر می گیرد، باید با در نظر گرفتن آنان به عنوان پرچمداران و اسوه های دیگر گروه های یاران حضرت در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر اوج و کمال این صفات در بشر غیر معصوم در آنان وجود دارد؛ اما دیگران نیز به حد توان و ظرفیت وجودی خود باید تلاش کنند تا به آنان برسند. این خود نوعی تربیت روحی همگانی ایجاد می نماید.

تعالی روحی یاران حضرت با شاخص هایی که در برخی روایات آمده، هدفمند می شود. به گونه ای که تلاش خود را برای رسیدن به آن قله روحی و اخلاقی جهت خوشحالی ساختن مولای خود به کار می بندد.

امام صادق (علیه السلام) از این نوع تعالی هدفمند خبر می دهد که مردمی که دوست دارند از اصحاب امام مهدی (عج الله فرجه الشریف) باشند، باید ورع و حسن های اخلاقی را دارا شوند. من سره أن يكون من أصحاب القائم فليتنظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق، و هو منتظر. (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴؛ ۱۴۷؛ نعمانی، ۱۳۸۳؛ ۲۰۰)

امام باقر (علیه السلام) تعداد ۳۱۳ نفر بودن یاران حضرت (به عدد اهل بدر) و میزان شجاعت و عبادت آنها را نقل می کند. (نعمانی، ۱۳۸۳؛ ۲۸۲؛ سیوطی، ۱۳۵۳؛ ۱۴۴) این معنویت سبب می شود تا رعب در دل دشمنان ایجاد گردد. آیاتی در قرآن نیز درباره یاران پیامبر این نشانه را

اشاره دارند که با تنقیح مناظ می‌توان به یاران امام زمان نیز تسری داد: «سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ...» (آل عمران / ۱۵۱)؛ «سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ...» (انفال / ۱۲)

ویژگی‌های عمومی یاران و زمینه‌سازان حضرت مهدی (عج الله فرجه الشریف) در قرآن و احادیث نبوی و اهل‌بیت (علیهم السلام) فراوان است و در بسیاری از آنها حتی نام و نشان‌شان نیز آمده است. مانند «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...» (مائده / ۵۴) ویژگی آنها در این آیه چنین به تصویر کشیده شده است:

۱. همگی آنان خدادوست هستند و خدا نیز آنان را دوست دارد؛ دوستی طرفینی است نه یک‌طرفه؛

۲. متواضع و تسلیم در برابر مؤمنان؛

۳. سرسخت و انعطاف‌ناپذیر در برابر کفار و دشمنان؛

۴. جهادگران خستگی‌ناپذیر و مداوم در راه خدا؛

۵. در انجام وظایف و فرمان خدا ذره‌ای هراس و خوف از دشمن و ملامت‌گران به دل راه نمی‌دهند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷؛ ۵ / ۱۴۹)

به تعبیر امام صادق (علیه السلام) صاحب این امر در پرتو این آیه (خصوصیات یادشده در آن) حفاظت می‌شود.^۱

این نیروهای مهم که در طول غیبت تربیت شده‌اند، نیروهای مخلص و آماده فداکاری لازم

^۱ در اوصاف ابوذر این جمله از پیامبر | رسیده است «لا يخاف في الله لومة لائم» و نیز امام حسین (علیه السلام) درباره حجر بن عدی و یارانش همین اوصاف را می‌شمارد. (طبرسی، ۱۳۰۶؛ ۳ / ۲۰۸؛ حویزی، ۱۴۲۲؛ ۱ / ۶۴۲)

برای فتح جهانی و اجرای دستورهای الهی در سراسر جهان‌اند. این احتمال می‌رود که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نیز همواره با تربیت چنین افرادی در معرکه مهم جنگ تحمیلی و دفاع از حرم و نیز امنیت، نیروهایی را آماده برای هر اتفاق مهم از جمله اتفاقات دوران ظهور ذخیره نموده است.

از جمله خصلت‌های معنوی انقلاب اسلامی ایران از نگاه برخی انقلاب‌پژوهان که از آنها در تکوین و استمرار خود بهره برد و تقویت آنها می‌تواند زمینه‌ساز تمدنی حکومت جهانی مهدوی باشد، عبارتند از:

الف) انقلاب برای خدا که با توجه به تحلیل آماری در انگیزه‌های مردمی در انقلاب ایران، ۸/۴۷ درصد، معنوی بوده است؛

ب) بی‌اعتنایی به قدرت‌های مادی که استکبارستیزی در مقابل آبرقدرت‌های جهان و روحیه شهادت‌طلبی از جمله مصادیق آن است؛

ج) به کارگیری سنت‌های دینی و توجه به نقش مسجد و روحانیت و حسینیه‌ها به عنوان بیوتی که در آنها یاد خدا می‌شود. (منصوری و دیگران، ۱۳۸۱؛ ۱۵۰ - ۱۵۴)

۲-۳. فقرزدایی و رفاه اجتماعی

یکی از مشکلات بزرگ بشر در طول تاریخ مسئله فقر و تنگ‌دستی است و مردم در اعصار مختلف با این بلای بزرگ و خانمان‌سوز مواجه بوده‌اند و اینک نیز مردم بسیاری در جوامع گوناگون، گرفتار این مشکل بوده، در حال مبارزه با آن‌اند؛ فقر و کمبودهای اقتصادی همه‌ساله، بلکه هر روز، تعداد زیادی از انسان‌ها را به کام مرگ کشانده است. اصولاً یکی از اهداف انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی برای رسیدگی به مستضعفین و توجه به کوخ‌نشینان بوده است. (خمینی، ۱۳۸۹؛ ۲۱ / ۴۴۸)

از جمله الطاف بزرگ و مواهب عالی حکومت حضرت بقیه‌الله (عج) الله فرجه الشریف) ریشه‌کن شدن فقر و تنگ‌دستی بوده است. در این حکومت مشکلی به نام فقر مردم را به فنا و نیستی تهدید نخواهد کرد و مردم مصداق فقرزدایی را در حکومت آسمانی مهدی موعود (عج) الله فرجه الشریف) به چشم خود مشاهده خواهند کرد. این مطلب با دو مقدمه، اثبات می‌شود.

۱. در روایت آمده است هنگامی که قائم «آل محمد (عج) الله فرجه الشریف)» قیام کند، حکم به عدل خواهد کرد ... و زمین برکات خود را برون خواهد ریخت ... و در این هنگام زمین گنج‌های خود را آشکار نموده و برکات خود را نشان خواهد داد. (مفید، بی تا؛ ۲ / ۳۸۴)

۲. به جهت تکامل عقل و خرد انسانی، جهالت و رذالت از میان خواهد رفت و مردم از کارهای نامعقولی مانند اندوختن ثروت و ذخائر و اختصاص دادن اموال به خود و محروم ساختن دیگران دوری می‌کنند. (همان؛ ۳۸۵)

با توجه به روایت مزبور، طبیعی است که همگان از آن گنج‌های خدادادی و برکات بی‌شمار بهره‌مند خواهند شد و از فقر و تنگ‌دستی اثری نخواهد ماند. در ادامه روایت مذکور آمده است: کسی از شما موردی را برای صدقه و احسان خود نمی‌یابد و مستمندی را نمی‌بیند که به او صدقه دهد و یا به او احسان کند!! (همان)

این چیزی است که در حکومت‌های محدود و عادی که احياناً صورت دینی داشته‌اند به طور موقت و محدود واقع شده و تحقق یافته است.

همچنین از خصوصیات و شاخصه‌های حکومت صاحب‌العصر (عج) الله فرجه الشریف) رفاه و راحتی کامل مردم است. حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

المهدی منا منصور بالربع فلا یبقی فی الارض خراب الا عمره و لاتدع الارض شیئاً من نباتها الا اخرجته و تنعم الناس فی زمانه نعمه لم یتعموا مثلها قط. (مالکی، بی تا؛ ۳۲۲)

مهدی از ما خاندان پیامبر با مرعوب شدن دشمن، مورد نصرت و یاری خداوند خواهد بود ... پس در سطح زمین، قطعه‌ای خراب و ویران نباشد مگر اینکه آن را آباد سازد و زمین هرچه را که از انواع گیاه دارد بیرون آورده و رویش می‌دهد و مردم در زمان آن حضرت چنان متنعم شوند که هرگز بدان‌گونه از نعمت‌های الهی برخوردار نشده باشند.

جمله اخیر بسیار با اهمیت است؛ زیرا مفاد آن این است که چنین ناز و نعمت و رفاه و راحتی‌ای در هیچ زمانی معهود نبوده است و مردم در هیچ حکومتی، چه حکومت‌های دینی و چه طاغوتی، چنین راحتی و خوشی‌ای را تجربه نکرده‌اند.

روایت دیگری نیز شبیه به همین مفاد در منابع شیعی آمده است. (صدوق، ۱۳۹۵؛ ۱ / ۳۳۱) گرچه انقلاب اسلامی ایران در برخی عناصر رفاهی در سنجه‌های اقتصادی مانند پایین آوردن ضریب جینی^۱، چندان موفق نبوده است؛ اما نسبت به پیش از انقلاب و نیز در کمتر نمودن وابستگی اقتصادی به نفت در قالب اقتصاد مقاومتی، تا حدودی توفیق داشته است. (قربی، ۱۳۹۵؛ ۱۱۰) قدم برداشتن در حل مشکلات اقتصادی و رفاهی مردم در حکومت اسلامی، سبب علاقه‌مندی آنان به اسلام و در نتیجه ادعای تمام ادیان و به ویژه اسلام در وعده ظهور منجی موعود شده، رغبت بیشتری در جهت رفع موانع ظهور یا ایجاد اقتضای آن بر می‌دارند؛ زیرا تا حدودی زیبایی حکمرانی اسلامی را به چشم دیده‌اند. البته باید دستاوردهای اقتصادی

^۱ ضریب جینی عیاری از پراکندگی آماری در اقتصاد است که برای نشان دادن نابرابری درآمد یا ثروت در یک کشور یا هر گروه دیگر از مردم در نظر گرفته شده است. ضریب جینی شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان اقشار مختلف مردم یک جامعه است. ضریب صفر جینی بیانگر برابری کامل است، جایی که همه مقادیر یکسان هستند (به عنوان مثال، جایی که همه درآمد یکسانی دارند). ضریب جینی یک (یا ۱۰۰٪) بیانگر حداکثر نابرابری در بین مقادیر است (به عنوان مثال، برای تعداد زیادی از افراد که فقط یک نفر کل درآمد یا مصرف را دارد و بقیه هیچ چیز ندارند، ضریب جینی تقریباً یک خواهد بود). بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در این کشور در نظر گرفته می‌شود. (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۷؛ ۱۱۸ - ۱۲۹)

دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران به مردم بازگو شود و اهداف آینده با توجه به موانعی چون تحریم و استکبار جهانی نیز جهت امیدبخشی به عنوان جهاد تبیین اعلام گردد.

۳-۳. ارتقا و امتلاء امنیت

از مزایا و شاخصه‌های حکومت مهدی موعود (عج الله فرجه الشریف) امنیت کامل، گسترده و همه‌جانبه است. در دولت کریمه امام زمان (عج الله فرجه الشریف) کسی طعم تلخ ناامنی را نخواهد چشید. قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ لَيَبْدَلَنَّ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور/ ۵۵) مصداق تام این تبدیل از خوف به امنیت، دولت کریمه مهدوی است که خداوند خوف و بیم‌شان را به ایمنی تبدیل خواهد کرد. روایت شده که حضرت امام زین‌العابدین (علیه السلام) این آیه را قرائت کردند و بعد فرمودند:

هم والله شیعتنا اهل البيت يفعل ذلك بهم علی بدی رجل منا و هم مهدی هذه الأمة. (طبرسی، ۱۳۰۶؛ ۴ / ۱۵۳)

به خدا سوگند آنان شیعیان ما خاندان‌اند این الطاف و عنایت به‌دست مردی از خاندان ما در مورد آنان تحقق می‌یابد و او مهدی این امت است.

پس این تبدل، از جمله عنایات خداوند به یاران و پیروان پاک‌سرشت مهدی موعود است. آنان که دوران طولانی در ترس و ناامنی به‌سر بردند و به برکت امام زمان (عج الله فرجه الشریف) و در زیر سایه پرمهر آن حضرت به امنیت و آسایش می‌رسند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گسترش روایت شده است که فرمود:

پیروان مهدی (عج الله فرجه الشریف) رو به او می‌آورند آنچنان‌که زنبور غسل رو به بزرگ خود می‌آورد. او زمین را پر از عدل می‌سازد همان‌گونه که پر از ظلم و بیدادگری شده باشد؛ چنان عدل گسترش یابد که انسان‌ها به وضع نخستین خود (آنگاه که هیچ ظلم و جوری نبود)

برگردند، کسی را از خواب بیدار نمی‌کند و خونی را (به ناحق) نخواهد ریخت. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹؛ ۳ / ۱۵۵)

امنیت در دوران حکومت امام مهدی (عج الله فرجه الشریف) جنبه شعاری نداشته، حتی در مراحل بدوی و اولی آن نیز نخواهد بود؛ بلکه امنیت کامل، پیشرفته و بی سابقه‌ای حاکم است که حتی برای شخص خوابیده نیز مزاحمت فراهم نکنند و او را از خواب بیدار نمایند و خونی را به ناحق نریزند. از امام (علیه السلام) نقل شده است که:

زمانی که حضرت قائم قیام کند به عدل حکم خواهد شد و جور و ستم در دوران او مرتفع خواهد گردید و راهها و جاده‌ها به برکت آن حضرت در امنیت کامل است. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵؛ ۲ / ۲۶۵)

و نیز از امام باقر (علیه السلام) روایت شده:

یاران امام می‌جنگند تا آنکه خداوند به وحدانیت شناخته شود و چیزی را شریک او قرار ندهند و تا به جایی که پیرزن ناتوان از مشرق به قصد مغرب بیرون آید و احدی متعرض او نشود. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹؛ ۲ / ۳۳۲)

بنابر مجموعه این روایات، امنیت زمان حضور و حکومت حضرت ولی عصر (عج الله فرجه الشریف) امنیتی فوق‌العاده و همه‌جانبه است و از ابعاد مختلف، مردم در امن و امان خواهند بود؛ امنیت جان و مال و راه و نوامیس، حتی امنیت از شر حیوانات و درندگان در جامعه حاکم است و اندیشه هیچ‌گونه ناامنی‌ای حتی در سطح بیدار کردن کسی از خواب، مردم را مضطرب و نگران نخواهد نمود. این نگاه به گونه‌ای است که چون هر نوع خوفی، به امنیت تبدیل می‌شود، امنیت روحی و روانی هم ارتقا می‌یابد.

انقلاب اسلامی ایران به شکل مردمی و حکومتی و به تعبیری، اتحاد ملت و دولت، در جریان

دفاع مقدس و نیز دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام)، در حفظ امنیت مرزها و شهرها تلاش نمود. برخی از پژوهشگران، مراحل شکل‌گیری و تکمیل امنیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را بسط محور به معنای استقرار حاکمیت سیاسی اسلام و حفظ استقلال نظام و اصلاح محیط بیرونی و بسط انقلاب اسلامی می‌دانند. (حیدری، ۱۳۹۹؛ ۱۴۹ - ۱۵۱) هر چه امنیت مترقی گردد، بستر برای احساس جلوه هرچند کوچکی از دوران پس از ظهور و پر شدن جهان از امنیت برای مردم تداعی خواهد شد. در نتیجه تلاش‌های فردی و اجتماعی با این علم متلبس از تجربه برای برپایی حکومت امنیت جهانی خواه نا خواه بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر امنیت با توسعه نیز در ارتباط است (حسن زاده، ۱۳۹۴؛ ۱۸۵) و این مؤلفه، به صورت زنجیروار بر توسعه در تمامی محورهای آن یعنی علم و رفاه و فقرزدایی، اثر خواهد گذاشت که به نوعی از عوامل ریشه‌ای بسترساز خواهد بود. بنابراین مقتضی در انقلاب اسلامی با ارتقای امنیت برای دیگر ابعاد تمدنی نیز به وجود آمده است؛ زیرا با وجود امنیت، امکان و ظرفیت تأمل در زمینه‌های اقتصادی، اخلاقی، روحی و روانی به عنوان دیگر مؤلفه‌های تمدنی بسترساز حکومت مهدوی فراهم خواهد شد.

۳-۴. بسط و گسترش عدالت

هرچند به‌طور مشروح از عدالت‌خواهی و ارمغان عدالت بحث شد، در این مقام اشاره‌ای کوتاه بدان مناسب است؛ زیرا از بارزترین و مشهورترین شاخصه‌ها و جایزه‌های حکومت حضرت خاتم‌الاولیاء (صلی الله علیه و آله) گسترش عدالت است.

آری، عدل عام و مطلق در سراسر جهان برای آحاد مردم اجرا می‌شود. حاکمان طاغوت و ستمکار و زمامداران خودسر، همواره در پی ظلم و ستم بوده‌اند و هرگز اندیشه عدل و داد در سر نداشته و ندارند. حاکمان و زمامداران الهی و ظلم‌ستیز نیز، اگرچه برای تحقق این آرمان

مقدس در زمین کوشیده و رنج‌ها برده‌اند، به هدف والای خود دست نیافتند. پیامبران بزرگوار و امامان معصوم (علیهم السلام) حتی کسانی از آنان که مبسوط‌الید شدند و قدرتی فوق‌قدرت‌ها به‌دست آوردند نیز موفق به بسط عدالت در سطحی به این گستردگی نشدند.

اگرچه بنیان حکومت امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) برپایه عدالت بود و همواره در راه نیل به این هدف والا و متعالی تلاش می‌کرد و حتی در راه تحقق این هدف و اجرای عدالت کامل، به شهادت رسید، عدل و عدالت در همه‌جا حاکم نشد و شرایطی پیش نیامد که به هدف خود نائل گردد.

این آرمان بزرگ تنها در حکومت و دولت ولی عصر (عج الله فرجه الشریف) تحقق می‌یابد و اوست که عدل را چنان بسط می‌دهد که همه جهان را فرا می‌گیرد، بلکه جهان پر از عدل و داد می‌شود. این شاخصه در حکومت امام زمان آنچنان حائز اهمیت است و آن‌قدر بر آن تأکید شده است که برحسب استقصای کتاب شریف منتخب‌الاثیر، ۱۴۸ روایت وارد شده که همه می‌گویند: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً». حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

إذا قام القائم (عج الله فرجه الشریف) حکم بالعدل و ارتفع الجور فی ایامه ... و رُدَّ کلِّ حقٍّ الی اهلِهِ. (مفید، بی‌تا؛ ۲ / ۳۸۴)

زمانی که قائم (عج الله فرجه الشریف) قیام کند، حکم به عدل خواهد کرد و جور و ستم در دوران حکومت او برداشته می‌شود ... و هر حقی به اهل آن برگردانده خواهد شد. همچنین حضرت امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

زمانی که قائم ما اهل بیت و خاندان پیغمبر قیام کند اموال را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند و در میان رعیت به عدالت حکم خواهد فرمود. (حر عاملی، بی‌تا؛ ۳ / ۵۴۰)

تمرین برای عدالت‌ورزی کارگزاران حکومت مهدوی، ضروری است؛ زیرا این اعتقاد وجود

دارد که باید تلاش شود تا هم شیعیان سعی نمایند تا در زمره اصحاب حضرت قرار گیرند و هم اشخاصی با لیاقت در میان آنان جهت اخذ مناصب حکومت مهدوی وجود داشته باشد. (جباری، ۱۳۸۳؛ ۱۸۳ - ۱۸۵) بنابراین عدالت‌ورزی کارگزاران حکومت اسلامی در پیش از ظهور مؤلفه‌ای تمدنی است که سبب بسترسازی در تولید نیروی انسانی عدالت‌محور برای حکومت مهدوی و نیز توسعه ارزشی عدالت در جامعه پیشاظهوری می‌گردد؛ زیرا عدالت به عنوان یکی از عناصر مهم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سوی محققان مطرح گردیده است. (مردانی نوکنده، ۱۳۹۰؛ ۲۰۲ - ۲۰۳)

همچنین بحث عدالت سیاسی که انقلاب اسلامی ایران داعیه‌دار آن بوده، به مثابه مقدمه عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. (عیوضی، ۱۳۸۴؛ ۱۲۹ - ۱۳۰) با تبدیل حکومت پادشاهی به جمهوری و شکل‌گیری انتخابات و تقویت مجلس شورای ملی با تبدیل آن به مجلس شورای اسلامی، عملاً حرکت به سوی تحقق عدالت سیاسی آغاز شد و تا حد زیادی نیز انقلاب اسلامی ایران در این امر با توجه به تمرکز در حفظ مبانی اسلامی، در مردم‌سالاری دینی موفق بوده است. گرچه در دیگر ابعاد عدالت، مانند عدالت اجتماعی توفیق کمتری داشته است. مانند رشد شکاف طبقاتی و شهرنشینی و حاشیه‌نشینی (همان؛ ۱۳۵) که با مانیفست انقلاب فاصله دارد.

بنابراین انقلاب اسلامی با تولید نیروی انسانی عدالت‌گرا و نیز توسعه عملی مفهوم عدالت در کلیت آن، قدم اول را برداشته و در برخی ابعاد مانند عدالت سیاسی، گام‌های بیشتری را پیموده است که خود به ارزشمندتر شدن عدالت تا پیش از ظهور و بیدارسازی گرایش فطری عدالت‌گرایی در مردم منجر خواهد شد که کمال آن در دوران طلایی ظهور جلوه می‌کند.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، فارغ از سطوح سه‌گانه انسان‌شناختی بینش و گرایش و کنش که

دارای مؤلفه‌های مهمی چون عقلانیت و توسعه علمی در بُعد بینش، رشد اخلاق‌گرایی و نیز گرایش به آداب انسانی در بُعد گرایش، تعالی‌بخشی روحی و معنوی، فقرزدایی، رفاه حداکثری، ارتقای امنیت، بسط و گسترش عدالت به عنوان مؤلفه‌های کنشی، می‌توان با توجه به اهداف کلان مهدویت و حکومت جهانی مبتنی بر آن، آماده‌سازی برای شکل‌گیری تمدن جهانی مهدوی را در اهداف انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی ایران با تأکید بیشتر دنبال نمود. این مقاصد عالی عبارتند از عدالت، اخلاق، نجات خواهی و کمال‌گرایی که منصفه ظهور اتم آنها در حکومت جهانی امام عصر (عج الله فرجه الشریف) خواهد بود. نکته مهم اینجاست که بیشترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز، عملی و در حیطه رفتار و کنش و واکنش تعریف می‌شوند. این نشان می‌دهد که عمل‌گرایی در مسیر انتظار مهدوی نقش کلیدی دارد و منتظران باید بیش از مرحله قلبی و زبانی، عمل‌گرا باشند.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، (۱۴۲۴ ق)، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، قم: دلیل ما.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ ق)، المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، جامع الرواة و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، بیروت: دار الأضواء.

الهی نژاد، حسین، (۱۳۹۹ ش)، «نظریه اختیاری بودن ظهور با رویکرد مثبت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی»، جامعه مهدوی، ش ۱.

پاکیزه، محمود، (۱۴۰۱ ش)، «نقشه راه و مدل عملیاتی اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه اخلاق، ش ۵۶.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.

جباری، محمدرضا، (۱۳۸۳ ش)، «تجلی عدالت مهدوی در عدالت کارگزاران»، انتظار موعود، ش ۱۴.

جلالی، محسن، (۱۳۸۷)، «بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۳۶.

حر عاملی، محمد بن الحسن، (بی تا)، اثبات الهداء، سه جلدی، تعلیق و تحقیق ابوطالب تجلیل تبریزی، قم: انتشارات حوزه علمیه.

حسن زاده، عسل، (۱۳۹۴ ش)، «بررسی امنیت ملی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۳.

حسنی واعظ، محمود، (۱۳۸۱)، دقائق التأویل و حقائق التنزیل، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

حسینی حلی، حسین بن کمال الدین ابرز، (۱۴۲۸ ق)، زبده الأقوال فی خلاصه الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

حکیمی، محمد، (۱۳۸۱)، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

حویزی، علی بن جمعه، (۱۴۲۲ ق)، نور الثقلین، تحقیق علی عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۱.

حیدری، امیر هوشنگ، (۱۳۹۹ ش)، واکاوی توسعه و امنیت در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر روش سناریونویسی در آینده‌پژوهی، ش ۳۴.

خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹ ش)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دریگوند، روح‌الله و جعفری، (۱۳۹۴)، جواد، تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور، اندیشه نوین دینی، ش ۴۲.

- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، (۱۴۰۹ ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی #
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۵۳)، الحاوی للفتاوی، جماعه عن طلاب العلم، طباعه المنیریه، بی جا، بی نا.
- شریفی، حسن پاشا، (۱۳۸۴)، اصول روان سنجی و روان آزمایی، تهران: رشد.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۹ ق)، منتخب الاثر، قم: مؤسسه انتشاراتی حضرت معصومه.
- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، (۱۳۹۵ ق)، قم: دارالکتب اسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۱ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اعلمی، چ ۱.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، شیعه در اسلام، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۰۶ ق)، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ ق)، الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۴ ش)، «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی»، توسعه راهبرد، ش ۳.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- قربی، سیدمحمدجواد، (۱۳۹۵ ش)، «رویکرد انتقادی درباره برداشت های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ش ۴۳.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ ق)، اختیار معرفه الرجال اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دار الحدیث.
- کوبره، الکساندر، (۱۳۶۰)، سیاست از نظر افلاطون، ترجمه حسین جهاننگلو، تهران: خوارزمی.
- گائینی، ابوالفضل و رضا نجاری، (۱۳۹۵)، مدیریت منابع انسانی با رویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مالکی، ابن صباغ، (بی تا)، الفصول المهمه، بیروت: دار الاضواء.
- مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مردانی نوکنده، محمد حسین، (۱۳۹۰ ش)، «مفهوم و ماهیت عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی»، راهبرد توسعه، ش ۲۵.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، قیام و انقلاب مهدی # از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم: صدرا، چ ۱۵.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، قم: صدرا.

- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (بی تا)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم: کنگره مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، آیات ولایت در قرآن، قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، زندگی در پرتو اخلاق، قم: سرور.
- ملکی اصفهانی، مجتبی، (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: عالمه.
- موسوی لاری، مجتبی، (۱۳۷۶)، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش)، رجال النجاشی، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم.
- نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳ ق)، الغیبه، تبریز، کتابفروشی صابری.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، (۱۴۱۶ ق)، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلوه، تعلیق نظری منفرد، بی جا، نصاب، چ ۱.
- منصوری، جواد و دیگران، (۱۳۸۱ ش)، انقلاب اسلامی و معنویت‌گرایی، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۲.
- همایون، محمد هادی و دیگران، (۱۳۹۴ ش)، «الگوی مطلوب شبکه‌سازی نخبگان علمی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ش ۲.
- هوکسما، نولن و دیگران، (۱۳۸۶)، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تهران: شهرآب و آینده‌سازان.